

بابا الیاس و خلیفه اش بابا اسحاق هر دو دستگیر و کشته شدند؛ اما کوپرولو بر آن است که سلطان غیاث الدین، بابا الیاس را مورد عفو قرار داد (نک: ۱۷۸، حاشیه ۳۵).

درباره عناصر فکری نهضت بابایی، مؤلفان همگی اشاره می کنند که این جنبش رنگی از تشیع داشت که بابا الیاس از زادگاهش خراسان با خود آورده بود و البته ظاهر صوفیانه هم به خود گرفته بود. اولین و آخرین مقصد این جنبش تحقق بخشیدن به یک هدف سیاسی مشخص بود، یعنی بالابردن موقعیت ترکمانان و استقرارشان در وطن جدید و تأسیس دولتی برای آنان به رهبری پیشوایان معنوی نوین (شیبی، ۳۳۵/۲). بعد از سرکوب جنبش بابایی، یاران بابا الیاس از ولایتهای سیواس و توقات و آماسیه به ولایت قیرشهر - واقع در آناتولی مرکزی - که حاجی بکتاش ولی در آن اقامت داشت، مهاجرت کردند و در اطراف خانقاه وی گرد آمدند و طریقت بابایی به تدریج در طریقت بکتاشیه مستحیل گردید (رئیس نیا، ۲۱). در واقع پس از سرکوب شورش باباییان، تنها برخی عناصر میانه رو آن همچون نوره صوفی از مرگ نجات یافتند. نوره صوفی سپس به سلطان سلجوقی تقرب جست و با او رابطه خویشاوندی به هم رساند و حتی به امارت هم منصوب شد. میراث نوره صوفی به پسرش قرامان رسید که با تأسیس دولت مستقل قرامانیان در آسیای صغیر آرزوی دیرین ترکمانان را تحقق بخشید (شیبی، ۳۳۶/۲).

مآخذ: ابن بی بی، حسین، *الامام العلامی، أنکارا، ۱۹۵۶م*؛ ابن عبّی، غریفوریوس، *تاریخ مختصر الدول، به کوشش انطون صالحانی، بیروت، ۱۹۸۳م*؛ رئیس نیا، رحیم، *بدولالدین مزدکی دیگر، تهران، ۱۳۶۱ش*؛ سبط ابن جوزی، یوسف، *مرآةالزمان، حیدرآباد دکن، ۱۹۵۲م*؛ شیبی، کامل مصطفی، *الصلوة بین التصوف و التشیع، بیروت، ۱۹۸۲م*؛ میکا، رانول، «جنبش باباییان در آناتولی»، ترجمه عباس زارعی مهرورز، *کیهان فرهنگی، شهرور، ۱۳۶۸ش*؛ نیز:

Elî; Elvan Çelebi, *Menâkıbu'l - Kudsiyye*, eds. I. E. Erünsal and A. Y. Ocak, Istanbul, 1984; Elvan Erünsal, I. E. and A. Y. Ocak, introd. *Menâkıb...* (vide: Çelebi); Köprülü, F., *Türk edebiyatı 'nda ilk Mutasavvıflar*, Ankara, 1966.

علی کرم همدانی

باب حادی عشر [= باب یازدهم]، کتابی دربردارنده موضوعات

عمده کلامی در اصول عقاید امامیه. مؤلف این کتاب، ابو منصور حسین ابن یوسف بن علی بن مطهر، معروف به علامه حلی (د ۷۲۶ق) است. وی به درخواست وزیر محمد بن محمد قوه‌دی کتاب مصباح المتجهّد شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) را که موضوع آن فروع دین و ادعیه و عبادات بود، در ۱۰ باب خلاصه کرد و آن را *منهاج الصلاح فی مختصر المصباح* نامید (محقق، ۱۵)؛ سپس باب دیگری با عنوان *الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامة المکلفین من معرفة اصول الدین* در اصول دین بر آن افزود تا کتاب را تکمیل کرده باشد (علامه حلی، ۲).

باب حادی عشر در ۷ فصل تنظیم شده است: فصل نخست در اثبات صانع، فصل دوم در صفات ثبوتی، فصل سوم در صفات سلبی، فصل چهارم در عدل، فصل پنجم در نبوت، فصل ششم در امامت، و فصل هفتم در معاد. باب حادی عشر از نظر جامعیت و نیز اختصار مورد توجه

در آن زمان بر مناطقی از شام استیلا یافته بودند، فرستاد (ص ۴۹۹). همچنین به گفته ابن عبّری (همانجا) بابا اسحاق به عنوان مرید و داعی «بابا» برای دعوت ترکمانان به شام فرستاده شده بود. برخی پیروان افراطی بابا، یا بابا رسول وی را صریحاً رسول خدا می دانستند (شیبی، همانجا). به گفته سبط ابن جوزی شعار اتباع وی این بود: «لا اله الا الله، الیابا ولی الله» (همانجا). مؤسس این جنبش با رفتار توأم با زهد و ورع خود به جذب قلوب ترکمانان پرداخته بود و کردار او در پارسایی و پرهیزگاری به جایی رسید که اهالی از زن و مرد «بسته بند» می شدند و اعتقاد بنده مقصود و مرام او شدند (ابن بی بی، ۴۹۸-۴۹۹). بابا اسحاق را به اطراف بلاد روم گسیل داشت تا ترکمانان را تبلیغ کند و به سوی او بکشاند. بابا اسحاق به شهر سمیساط رفت و به تبلیغ در میان ترکمانان پرداخت و جمعیت زیادی از او استقبال کردند (ابن عبّری، همانجا). بیشتر گردآمدگان در اطراف بابا اسحاق، علویان تهی دست بودند (رئیس نیا، ۱۶).

بابا اسحاق در ۶۳۸ق (ابن عبّری، همانجا) در زمان سلطنت سلطان غیاث الدین کیخسرو دوم سلجوقی از ضعف دولت سلجوقی استفاده کرد و بر ضد سلجوقیان علم طغیان برافراشت (کوپرولو، ۱۷۷). او دو تن از مریدان خود را به کفر سود و مرعش فرستاد، تا دیگر پیروان را به عصیان تشویق کند. ترکمانان نیز که از پیش منتظر چنین اشارت و اجازتی بودند، به حرکت درآمدند و به موجب حکم بابا اسحاق هر که دعوت ایشان را می پذیرفت، او را امان می دادند و هر که درصدد مخالفت برمی آمد، او را هلاک می کردند (ابن بی بی، ۵۰۰). بابا اسحاق گرفتن آتش این فتنه، سلجوقیان به مقابله برخاستند، ولی هر دو بار لشکرکشی ایشان با شکست روبه رو شد (همو، ۵۰۰-۵۰۱). شورشیان بابایی پس از این دو پیروزی به سیواس تاختند و این شهر را غارت کردند و دولتمردان عالی مقام و توانگران را از دم تیغ گذراندند و غنائم فراوانی به دست آوردند (همو، ۵۰۱).

به گفته علوان چلبی، بابا الیاس که از تندرویهای بابا اسحاق ناخرسند بود، دو تن از مریدان خود را نزد او روانه کرد و پیغام داد که بازگردد و آتش این فتنه را بیش از آن دامن نزنند (ص ۵۱-۴۸). باباییان پس از غارت سیواس از آنجا روی به توقات و آماسیه نهادند (ابن بی بی، همانجا). سلطان غیاث الدین کیخسرو سلجوقی هم حاجی ارغمانشاه سرلشکر آماسیه را به مقابله فرستاد و او بابا اسحاق را با چند تن از مریدانش دستگیر کرد و به دار آویخت (همو، ۵۰۱-۵۰۲) و سپس به مقابله سپاهیان بابایی شتافت و در این گیرودار کشته شد (همو، ۵۰۲). آنگاه سلطان غیاث الدین به مدد فرنگیان به باباییان تاخت و آنها را به سختی شکست داد و بسیاری از آنان کشته شدند (ابن عبّری، ۴۳۹-۴۴۰).

از سرنوشت بابا الیاس خراسانی پس از سرکوب خونین قیام باباییان آگاهی روشنی نداریم. به تصریح ابن عبّری (ص ۴۴۰)،

باب دفتر‌داری، عنوانی در تشکیلات اداری دولت عثمانی که بر مؤسسات مالی دولتی اطلاق می‌گردید. رئیس این تشکیلات را «دفتردار» می‌خواندند که معادل عنوان «مستوفی» در دولتهای شرق اسلامی است (پاکالین، ۱۴۱۱/۱؛ اوزون چارشیلی، ۳۲۵). ایلخانیان نیز این عنوان اخیر را پذیرفته بودند و صاحب دفتر ممالک را «مستوفی الممالک» می‌نامیدند که با همکاری مستوفیان به امور مالی ایالات رسیدگی می‌کرد. این اداره را «دفتر‌داری ممالک» می‌گفتند (پاکالین، ۱۴۱۲/۱؛ «دائرة المعارف» ۲، ۱۷۶).

تاریخ دقیق رواج اصطلاح باب دفتر‌داری در حکومت عثمانی معلوم نیست (پاکالین، ۱۴۱۴/۱؛ اوزون چارشیلی، همانجا). به نوشته پاکالین (همانجا)، اصطلاح دفتردار که در قانون‌نامه سلطان محمد فاتح آمده، در سلجوق‌نامه علی یازجی زاده - که در نیمه اول قرن ۹ ق نوشته شده است - نیز به چشم می‌خورد. از این رو، می‌توان گفت که در اوایل قرن ۹ ق این نام، همراه با تشکیلات آن، در حکومت عثمانی وجود داشته است (نیز نک: اوزون چارشیلی، ۳۲۶). تا زمان بایزید دوم، یعنی اواخر نیمه دوم قرن ۹ ق تنها یک سردفتردار که چند دفتردار زیر دست داشت، تمام امور مالی را اداره می‌کرد (کوپرلی زاده، ۲۰۱؛ «دائرة المعارف»، همانجا) و در برابر سلطان مسئول بود (پاکالین، همانجا) و به موجب قانون، در مسائل مهم مالی با وزیر اعظم مشاوره می‌کرد (کوپرلی زاده، ۲۰۲؛ پاکالین، ۱۴۱۷/۱). با توسعه تشکیلات دیوان عثمانی، امور مالی به دودفتر‌داری تفکیک شد که از سوی دو دفتردار اداره می‌شد: یکی دفتردار روملی که به او سردفتردار می‌گفتند و دیگری دفتردار آناتولی که مسئول معامله‌ها و املاک خاصه بود («دائرة المعارف»، همانجا؛ پاکالین، ۱۴۱۴/۱). از اواسط قرن ۱۱ ق/۱۷ م سردفتر‌داری روملی به نام دفتر‌داری شق اول، و دفتر‌داری آناتولی به نام دفتر‌داری شق ثانی نام‌گذاری شد (همانجا؛ اوزون چارشیلی، ۳۳۲).

پس از استیلای سلطان سلیم بر آناتولی شرقی و سوریه، به سبب آنکه این سرزمینها دور از دولت مرکزی واقع شده بودند، دایره‌ای دیگر به نام دفتر‌داری عرب و عجم در مرکز حلب تشکیل شد. در نیمه دوم قرن ۱۰ ق/۱۶ م بنا به ضرورت‌هایی دفتر‌داری به شعبه‌ها یا «اقلام» متعدد تجزیه شد (نک: پاکالین، همانجا؛ اوزون چارشیلی، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰؛ «دائرة المعارف»، همانجا). وظایف، حدود اختیارات، مقام، رتبه و جایگاه دفترداران در قانون‌نامه آمده است (نک: EI², II/83؛ پاکالین، ۱۴۱۶/۱؛ کوپرلی زاده، همانجا).

عنوان دفتردار از ۱۲۵۳ ق/۱۸۳۷ م از میان رفت و «ناظر مالی» جایگزین آن شد (پاکالین، ۱۴۱۸/۱). یکی از وظایف دفتر‌داری بررسی عیار مسکوکات طلا و نقره بود. متصدی این شغل را سرورنده‌دار (ورنده‌دار یاشی) می‌نامیدند که ۲۲۱ نفر به عنوان کاتب، شاگرد، کاتب احکام مالی و خزینه‌دار زیر دست او به کار می‌پرداختند (نک: اوزون-

دانشمندان قرار گرفت و به شکل مستقل به طبع رسید و تدریس گردید و شرح‌های فراوانی بر آن نگاشته شد (محقق، ۱۵-۱۶). آقابزرگ تهرانی بیش از ۲۰ شرح برای آن نام می‌برد (۵/۷). از میان شرح‌های متعدد آن، شرح مقداد بن عبدالله سیوری حلی، معروف به فاضل مقداد (د ۸۲۶ ق) با نام النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر بیش از شروع دیگر مورد توجه دانشمندان و مدرسان کلام و اصول عقاید قرار گرفته، و بارها انتشار یافته، و ترجمه شده است (محقق، ۱۶-۱۷).

از معروف‌ترین ترجمه‌های فارسی آن الجامع فی ترجمه النافع به قلم میرزا محمدعلی حسینی شهرستانی (د ۱۳۴۴ ق) است. همچنین ترجمه‌ای به زبان انگلیسی از این کتاب به قلم میلر^۱ در دست است که در ۱۹۲۸ م در لندن به چاپ رسیده است (حلی، ۸). ابوالفتح بن مخدوم خادم الحسینی عربشاهی (د ۹۷۶ ق) از احفاد میرسید شریف جرجانی نیز شرح دیگری با عنوان مفتاح الباب بر باب حادی عشر نگاشته، و آن را به شاه طهماسب اول صفوی (س ۹۳۰-۹۸۴ ق) تقدیم کرده است. این شرح اخیراً به کوشش مهدی محقق به طبع رسیده است. شرح عربشاهی که با متن در آمیخته، در قیاس با شرح فاضل مقداد، مفصل‌تر است؛ علاوه بر آن، شارح به نقد آراء فلاسفه و متکلمان اشعری و معتزلی نیز پرداخته، و از عقاید شیعه دفاع کرده است (محقق، ۲۰).

کتاب باب حادی عشر در دوره‌ای به نگارش در آمد که متکلمان از مسائل و استدلال‌های فلسفی بهره می‌بردند. با اینهمه، روش کلامی این کتاب تحت تأثیر آراء و اندیشه‌های معتزلی است. علامه حلی در این اثر، واجب‌الوجود را به کمک برهان امکان و وجوب اثبات می‌کند. در مبحث عدل، ابتدا موضوع حسن و قبح عقلی افعال را پیش می‌کشد و سپس مختار بودن انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد و اینکه بر خداوند قبیح است که خالق فعل ما باشد و سپس ما را برای آن مؤاخذه کند. پس اراده فعل قبیح بر خداوند محال است و از این طریق بر عدل خداوند استدلال می‌کند (ص ۲۵-۳۲). در فصل مربوط به نبوت پس از تعریف، به بحث نبوت خاصه و نبوت عامه می‌پردازد. آنگاه درباره عصمت سخن می‌گوید و آن را مطابق قاعده لطف می‌شمارد. علامه در فصل مربوط به امامت، آن را ریاست عامه در امور مربوط به دنیا و دین و به نیابت از پیامبر می‌داند که طبق لطف خداوند صورت می‌گیرد. آنگاه به لزوم عصمت ائمه می‌پردازد و معصوم نبودن آنها را نقض غرض می‌شمارد، زیرا که آنها برای ابطال ظلم و اقامه عدل از طرف خداوند و پیامبر منصوب شده‌اند و اگر مرتکب گناه شوند، به ظلم تن داده‌اند و این، از قیایح محسوب می‌شود (ص ۳۴-۴۳). سپس به امامت خاصه می‌پردازد و با ذکر نام، ائمه دوازده‌گانه را مطابق اعتقاد شیعه اثنا عشری مورد تأکید قرار می‌دهد. سرانجام در بحث معاد، در مورد معاد جسمانی سخن می‌گوید و بر ضرورت آن استدلال می‌کند (ص ۴۳-۵۳).

ماخذ: آقابزرگ، الذریعة، حلی، علی‌اصغر، مقدمه بر شرح باب الحادی عشر فاضل مقداد، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ علامه حلی، حسن، الباب الحادی عشر، به کوشش مهدی محقق، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ محقق، مهدی، مقدمه بر الباب الحادی عشر (نک: همد، علامه حلی).